

بحث به حق سمع رسید و گفتیم سمع و شنیدن در حقیقت یک حقی است که هم جنبه سلبی دارد و هم جنبه ایجابی. علت اینکه گوش هم دارای اهمیت است، توضیح دادیم؛ به تعبیر امام سجاد(ع) «فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ»، دروازه قلب آدمی است که «يُودَى إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ»، باب کلام به سوی قلب است که انواع معانی خیر و شر، انواع مفاهیم خیر و شر را وارد قلب می‌کند. طبیعتاً قلبی که راه در آن برای شرور باز باشد، نمی‌توان آن را حرم الهی نامید. طبق روایات «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»، نباید غیرخدا را در این دل و قلب راه داد و ساکن کرد. می‌تواند خیر به سوی این ظرف سرازیر شود و پراز خیر شود. آن جنبه سلبی که اشاره کردیم که «فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقاً إِلَى قَلْبِكَ»، پاکسازی راه ورود به قلب، مراقبت، خیلی مهم است. تنزیه یعنی پاک کردن، منزّه کردن این مسیر؛ چون این مسیر ورود به قلب است، نگذارد شرور وارد شوند.

حق ایجابی گوش

اما یک جنبه ایجابی هم دارد؛ راه را برای همه چیز ببندد الا دو چیز: «إِلَّا لِفُوهَةٍ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا»، فقط آن شنیدنی‌های قیمتی و با ارزش را اجازه بدهد که وارد قلب شود. «فوهة کریمه» اشاره به این دارد که شنیدنی‌ها با ارزش و قیمتی باشد. افواه جمع فم و ریشه اصلی آن فوه است؛ منتهی وقتی می‌گوییم هذا فوهه، چون دو هاء اجتماع کرده‌اند، این لام الفعل را حذف کرده‌اند و گفته‌اند هذا فو زید.

فوه به معنای گشادی و فراخی دهان است. چند معنا برای فوه گفته‌اند؛ اصل سخن و دهانه طریق و راه، مثلاً در مورد چاه، دهانه چاه را هم فوه می‌گویند؛ ولی عمده در مورد این کلمه که در اینجا به کار رفته یعنی «فوهة کریمه»، کریمه به معنای قیمتی و دارای ارزش است؛ مثلاً می‌گوییم قلب کریم یعنی قلب با ارزش؛ احجار کریمه یعنی سنگ‌های قیمتی. اصلاً معنای کریم این است، یعنی با ارزش و قیمتی. «فوهة کریمه» یعنی چه، منظور چیست؛ می‌گوید «وَأَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقاً إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُوهَةٍ كَرِيمَةٍ»، یعنی هیچ چیزی را نگذاری وارد شود و آن را پاک کنی، فوهه در اینجا به معنای شنیدنی و سخن است؛ یعنی سخن‌ها و شنیدنی‌های با ارزش. شنیدنی‌های با ارزش و کریم، چون می‌خواهد برود در قلب کریم؛ قلب انسان قیمتی و با ارزش است. ظرف، ظرف با ارزشی است؛ مظروفش هم باید با ارزش باشد. فوهة کریمه یعنی آن سخن‌ها و شنیدنی‌های با ارزش باید در این ظرف قیمتی و با ارزش قرار گیرد تا بین ظرف و مظروف یک سنخیتی باشد. اگر داخل ظرف با ارزش یک چیز بی‌ارزش بریزید، از ارزش آن ظرف کم می‌کند و ظرف هم به مرور فاسد می‌شود؛ مخصوصاً اگر خود این مظروف فاسد و مفسد باشد. گاهی شنیدنی‌ها آنقدر فاسد است که ظرف را هم نابود می‌کند. می‌گوید این قلب که کریم است، باید شیء با ارزش و قیمتی در آن جای بگیرد.

این اشیاء با ارزش چیست؟ «تحدث فی قلبک خیرا»، دو چیز را معرفی می‌کند امام سجاد(ع)؛ یکی اینکه در قلب تو خیر ایجاد کند؛ قلب را به سوی خوبی راهنمایی کند. اینکه چه چیزهایی خیر در قلب ایجاد می‌کند، این خودش یک مسأله مهمی است؛ این خودش یک بحث بسیار طولانی دارد؛ و اساساً اگر بخواهد شکر نعمت گوش ادا شود، باید اشیاء قیمتی را به درون قلب راه دهد. خود شنیدن به تنهایی چیزی نیست خب انسان صدایی را می‌شنود. مهم این است که این شنیدن می‌رود در جایی

قرار می‌گیرد و استقرار پیدا می‌کند؛ مطالب، محتویات، مضامین؛ دیدن هم همینطور است. وقتی می‌خواهد این شیء قیمتی وارد شود، قبلش باید پاکسازی صورت گرفته باشد. ابتدا پاکسازی می‌کند، اما اگر نعمت گوش می‌خواهد قدردانی شود و پاس داشته شود و شکر آن ادا شود، این فقط به این است که اشیاء قیمتی را به درون قلب ببرد؛ ادای حق نعمت گوش این است که فقط اشیاء قیمتی را بگذارد وارد شود. اینکه گفتیم یک جنبه سلبی دارد و یک جنبه ایجابی، اگر مراقب جنبه سلبی باشد، حداقل این است که این نعمت را فاسد نکرده است؛ به تعبیر دیگر کفران نعمت نکرده است. اما اگر این را بدون استفاده معطل بگذارد و نگذارد چیزی وارد آن شود، خیر هم نشود، شیء قیمتی هم وارد آن نشود، این شکر نعمت نیست. ما یک کفر نعمت داریم و یک شکر نعمت؛ در ابتدا باید کفر نعمت نداشت، یعنی این نعمت را در مسیر نابجا مصرف نکرد؛ ثانیاً باید شکر نعمت داشت، یعنی نعمت را در مسیر صحیح استفاده کرد. در اینجا یک حد وسط هم داریم که بلا استفاده گذاشتن نعمت است. آن هم مآلاً همان کفران نعمت است؛ کسی که شکر به جا نیاورد، ولی حداقل آن دو جنبه ایجابی و سلبی اینجا کاملاً معروف و معلوم است.

پس برای اداء حق نعمت و اداء شکر، باید بگذارد که اشیاء قیمتی وارد شود. حالا این اشیاء قیمتی دو کار می‌توانند بکنند و دو ویژگی دارند و دو چیز می‌توانند شیء قیمتی باشند؛ یکی احداث الخیر فی قلبک و یکی هم کسب کمالات اخلاقی. اینها یک چیز نیست و با هم فرق دارد. این دو را ان شاء الله در جلسه آینده توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»